

غلامرضا نوعی

همچنان که در دو شماره گذشته گفتیم، سعدی در جای جای گلستان به قرآن کریم نظر داشته؛ و بیوند او با قرآن عمیق و همه جانبه است. همچنین یادآور شدیم که خواننده گلستان از همان نخستین عبارتهای مقدمه گلستان این کاربردها را به وفور می بیند؛ و این هنر تاسی به قرآن که به زیبایی هر چه تمام تر انجام شده، به خواننده ذهنیت و انگیزه خوبی برای ارتباط با متن می دهد.

اما درباره تاثیرپذیری ایشان از قرآن و کاربرد آیات شریفه آن، باید گفت، که این کار بسیار هنرمندانه انجام شده است، گاه اشارات او مستقیم و با بکار بردن صریح آیات است و گاهی بکارگیری عبارات در قالب کنایه و لفافه است و تنها به ذکر مضامین آیات قرآن کریم پرداخته است. اما در هر دو شیوه و صورت فوق کاربرد آیات خام و خالی از ظرافت های هنری نیست، و با درایتی خاص انجام شده است. مثلا در باب سوم گلستان که در موضوع «فضیلت قناعت» تدوین یافته، اشاره ای مستقیم به قسمتی از آیه شریفه ۲۷ سوره شوری دارد؛ در قسمتی از این حکایت آمده است:

موسی<sup>(ع)</sup> درویشی را دید از برهنگی به ریگ اندر شده. گفت: ای موسی دعا کن تا خدای عزوجل مرا کفافی دهد که از بی طاقتی به جان آمدم. موسی دعا کرد و برفت. پس از چند روز که باز آمد از مناجات، مرد را دید گرفتار و خلقی انبوه بر او گرد آمده. گفت: این چه حالت است؟ گفتند: خمر خورده و عربده کرده و کسی را کشته، اکنون به قصاص فرموده اند. و لطیفان گفته اند:

گر به مسکین اگر پر داشتی تخم گنجشک از جهان برداشتی

﴿وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ﴾؛ و اگر خداوند روزی را بر همه بندگانش گسترده می داشت، در روی زمین فتنه و فساد می کردند. موسی<sup>(ع)</sup> به حکمت جهان آفرین اقرار کرد، و از تجاسر خویش استغفار.

می توان گفت، در این کاربرد بجای و درست، آیه شریفه شرح و تفسیر به زیبایی شده است. به طوری که خواننده با خواندن این حکایت کوتاه مفهوم آیه شریفه را نیز درک می کند. در همین باب سوم اشاره مستقیم دیگری به آیه شریفه ۳۱ سوره اعراف شده است که عین نص قرآن در گلستان به کار رفته است؛ که ما نیز مکرر این آیه شریفه را شنیده ایم و در گفتار روزانه مان به کار می بریم:

یکی از حکما پسر را نهی همی کرد از بسیار خوردن؛ که سیری مردم را رنجور کند. گفت: ای پدر، گرسنگی خلق را بکشد. نشنیده ای که ظریفان گفته اند: به سیری مردن به که گرسنگی بردن.

گفت: اندازه نگهدار، ﴿كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا﴾

نه چندان بخور کز دهانت برآید نه چندان که از ضعف، جانت برآید

رنجوری را گفتند: دلت چه می خواهد؟ گفت: آنکه دلم چیزی نخواهد.

اما از اشارات صریح ایشان به آیات قرآن کریم که بگذریم، به کاربرد مضامین آیات در گلستان می‌رسیم؛ همانگونه که قرآن موثرترین منبع فکری شاعران و ادیبان، در شعر و ادبیات فارسی است. سعدی را نیز می‌توان یکی از نخستین افراد دانست که از معارف قرآنی در آثارش بهره جست. اقتباسهای معنایی سعدی از قرآن بسیار است که در این مجال نمی‌گنجد. اما شایسته ذکر است که یادآور شویم کاربردهای ظریف سعدی تنها منحصر به ذکر مضامین آیات نمی‌گردد، بلکه ایشان در شیوه بیان و ساختار ادبی هم به سبک قرآن کریم تاسی جسته است، نمونه این مدعا در سجع سخنان سعدی و مقایسه آن با موسیقی موجود در آیات آهنگین قرآن کریم خصوصاً سوره‌های کوتاه است. به همین مناسبت حکایتی زیبا از باب سوم گلستان - در فضیلت قناعت - به اختصار نقل می‌کنیم که در آن چند استشهاد قرآنی یافت می‌شود و کلامی ست مسجع:

مال داری را شنیدم که به بخل چنان معروف بود که حاتم طایی در کرم... تا به جایی که نانی به جانی از دست ندادی، و گربه بوهریره را به لقمه‌ای نخواستی، و سگ اصحاب الکهف را استخوانی نینداختی. فی الجمله خانه او را کس ندیدید، درگشاده، و سفره او را سرگشاده.

درویش بجز بوی طعامش نشنیدی مرغ از پَس نان خوردن او ریزه نچیدی

شنیدم که به دریای مغرب اندر راه مصر برگرفته بود، و خیال فرعون‌ی در سر. **﴿حتی اذا درکه الغرق﴾** [تا آنجا که او غرق شدن را نزدیک دید] بادی مخالف کشتی برآمد... دست دعا برآورد و فریاد بی فایده خواندن گرفت. **﴿و اذا رکبوا فی الفلک دعوالله مخلصین له الدین﴾** [و چون کشتی سوار شوند، خداوند را در حال که دین خود را برای او پاک و پیراسته می‌دارند، بخوانند]

دست تصریح چه سود بنده محتاج را وقت دعا بر خدای، وقت کرم در بغل

تاثیر قرآن در گلستان به آنچه در این سه شماره برشمردیم خلاصه نمی‌شود، مثلاً در شیوه نقل حکایتها نکات ظریف بسیاری مشاهده می‌شود از جمله اینکه در بسیاری از حکایتها، داستانهای کوتاه با موضوعات متنوع آمده است و بدون مقدمه از یک موضوع به موضوع دیگر می‌رود این سبک به وفور در آیات قرآن دیده می‌شود. به جرأت می‌توان گفت، نثر سعدی نثری است بدیع که دارای آهنگی گوش نواز می‌باشد، وی با بکارگیری شگردهای منحصر به فرد خود، نثر را به شعر نزدیک کرده است و شاید به همین دلیل بوده که طی قرن‌ها این اثر به درون مکتبخانه‌ها و سر منابر راه یافته است.

در پایان شایسته است که بار دیگر یادآور شویم که سعدی شاعری است اجتماعی و پند و اندرزهایش، به شکل تعلیمی سامان یافته است، هر بیت و حکایتش همانند یک آینه در مقابل ما قرار گرفته است و از همین رو می‌توان گفت، این اثر شایستگی آن را دارد که به عنوان یک الگوی مناسب در کتابهای تربیتی و آموزشی مورد توجه بیشتر قرار گیرد.

